

# نقش علمای عالی‌دره در گسترش فلسفه و کلام اسلامی

فریبا شهیدی فر<sup>۱</sup> و طاهره سادات طباطبائی امین<sup>۲</sup>

## چکیده

عالی‌دره نام روستایی در شهرستان چالوس است. تمامی ساکنان این محل از فرزندان **مولا نعیم** مشهور به علامه کرکبودی‌اند. در واقع لقب «نعیمایی» از آنچه در اسناد و نسخ قدیمی برجای مانده و اقوال موجود در میان اهالی برمی‌آید این است که چند تن از فرزندان **مولا نعیم** از طالقان به این منطقه کوچ کرده، گنجینه بسیار بزرگی از کتب و آثار علمی را با خود به آن مکان برده‌اند. به نظر می‌رسد دانشمندان عالی‌دره، نقش بسزایی در گسترش فلسفه اسلامی داشته‌اند؛ زیرا همزمان با هجوم افغان‌ها علمای این منطقه نه تنها در این هیاهو و کشتار از سرزمین خود مهاجرت کردند، بلکه آثار ارزشمندی را نیز با خود برده، از همه مهم‌تر، موفق به تألیف آثار قابل توجهی درباره علم فلسفه و کلام شدند؛ از جمله این آثار می‌توان به کتاب **أصل الأصول** اشاره کرد که توسط **مولا نعیم** در سال ۱۱۳۵ق در اوج پریشان‌حالی و دوری از وطن نوشته شده است. جدّ اعلای وی، **مولا محمدکاظم طالقانی قزوینی** از بزرگ‌ترین فیلسوفان معاصر با **ملاصدرا** بوده که از مؤسسان تفکر حکمی و حوزه اندیشه‌های فلسفی در قزوین است.

**واژگان کلیدی:** عالی‌دره، طالقان، کرکبود، خاندان برغانی، ملا نعیم، مدرسه فکری قزوین، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی.

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵

۱. استاد حوزه علمیه مشکات و عضو هیئت علمی دانشگاه رفاه (fa.shahidi@yahoo.com).

۲. استاد حوزه علمیه حضرت فاطمه و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (tabatabaei@quran.ac.ir).

## مقدمه

اسلام آیین مقدسی است که پیام‌ها و آموزه‌های عالی تربیتی آن از راه‌های گوناگون به گوش آزادی‌خواهان و دوستدارانش به عرصه ظهور و تکامل می‌رسد. علوم اسلامی در این شریعت اصیل و ناب توحیدی، در میان آموزه‌های دیگر، جایگاه ویژه‌ای دارند. در طول سالیان متمادی، دانشمندی تلاشگر و پویا در عرصه ایجاد و گسترش علوم اسلامی خوش درخشیده و خدمات شایانی به اسلام و مسلمانان عرضه داشته‌اند. برخی از این علما در طول تاریخ به‌خوبی شناخته شده‌اند و در حوزه علمی که فعالیت داشته‌اند، حتی مشهور گشته و نامشان در صفحات کتاب‌ها و رساله‌ها بسیار تکرار شده است، ولی برخی دیگر به‌رغم تلاش‌های فراوان و ارائه خدمات وافر، متأسفانه ناشناخته مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. هیچ‌گونه پژوهش جدی و عمیقی در جهت معرفی تلاش‌های خالصانه، علمی و خدمات چشمگیر خاندان **برغانی** که ریشه در طالقان و عالی‌دره دارند، انجام نشده است و این اثر نیز صرفاً درجهت ارائه مطالب مختصری برای پژوهش‌های اساسی‌تر و مفصل‌تر است.

جدّ اعلاّی علمای عالی‌دره **ملا محمد کاظم قزوینی** است. این دانشمند بزرگوار به‌همراه فرزندان، نوادگان و نسل‌های پس از خویش، خدمات شایسته و تأثیرگذاری درمورد فلسفه و کلام اسلامی به دین اسلام و مسلمانان به‌ویژه شیعیان ارائه کرده‌اند، ولی کمتر کسی از شخصیت و جایگاه علمی و آثار به‌جای‌مانده از ایشان اطلاع دارد.

تحقیقات نشان می‌دهد دانشمندان این خطّه سرسبز، به‌رغم تلاش‌های فراوان و خالصانه، ناشناخته و گمنام باقی مانده‌اند و ضرورت اقتضا می‌کند فعالیت‌های علمی و کوشش‌های بی‌دریغ‌شان درجهت اعتلای اسلام و تمدن اسلامی معرفی شود و به شأنیت والای دینی و جایگاه رفیع‌شان اشاراتی گردد.

پژوهش‌ها از این امر حکایت دارد که علمای عالی‌دره درباره ایجاد برخی شاخه‌های فلسفه و گسترش این علم و نیز کلام اسلامی، کوشش فراوان کرده‌اند و آثار گوناگونی از خود به‌جای گذاشته‌اند. بعضی از این آثار پُر‌قیمت، خوشبختانه باقی مانده و توسط فرزندان و دلسوزان فرهنگی منطقه به‌چاپ رسیده، مورد پشتیبانی و تبلیغ قرار گرفته است، ولی متأسفانه بسیاری از این آثار طی قرون متمادی به‌دلایل گوناگون نابود شده‌اند.

اثر حاضر با رویکردی تاریخی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) گردآوری شده است و با بهره‌برداری از شیوه توصیفی داده‌پردازی می‌گردد. هدف اصلی محقق در نوشتار پیش رو، معرفی خاندان **برغانی** و تبیین نقش بی‌بدیل و مؤثر این خاندان در ایجاد شاخه‌هایی از فلسفه اسلامی و گسترش آن همراه با علوم دیگری چون کلام اسلامی، فقه و... است. بسیار شایسته است آثار و نسخ خطی ارزشمند برجای‌مانده از این خاندان اهل علم و فرهیخته، با اهتمام فراوان و دقت گردآوری شده و مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. پیشرفت و گسترش تمدن بزرگ اسلامی مرهون کوشش‌های فراوان علمای فاضل و حقیقت‌جویی است که با خدمات شایسته و ارزنده خویش باعث شدند دستورات اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ به گوش جهانیان برسد و الگوی عمل اهل حق به‌ویژه شیعیان قرار گیرد.

اکنون به مهم‌ترین نکاتی که از ویژگی‌ها و فعالیت‌های این نسل فرهیخته و دانشمند به‌دست آمده است، اشاره می‌شود.

### ۱. موقعیت جغرافیایی عالی‌دره

روستای عالی‌دره در استان مازندران - جنوب شهرستان نوشهر - منطقه کجور واقع شده است. فاصله هوایی آن با نوشهر حدود بیست کیلومتر و با تهران ۷۵ کیلومتر است. راه ارتباطی آن با چالوس چهل کیلو متر و فاصله آن با جاده چالوس تهران، بیست کیلومتر است. حاشیه روستای عالی‌دره از دو سمت به جنگل طبیعی متصل است و به باغات و مزارع منتهی می‌شود. ارتفاع روستای عالی‌دره ۱۳۸۰ متر بالاتر از سطح دریاست؛ به‌همین دلیل در فصل تابستان و بهار از هوای بسیار خنک و مطبوعی برخوردار است.

این روستا مدرسه ابتدایی و راهنمایی و نیز کتابخانه‌ای با چند هزار جلد کتاب دارد. نام خانوادگی بیش از نود درصد از اهالی این روستا، **نعیمایی عالی** است که حدود دو قرن پیش از روستای کرکبود طالقان به این نقطه مهاجرت کرده‌اند و تا چند سال پیش به کرکبودی شهرت داشتند و از نوادگان **ملانعیما** هستند. تا یک قرن پیش، اغلب ساکنان این روستا از علما و فقها بوده‌اند (ر.ک: مرکز ملی آمار ایران و سایت عالی‌دره؛ [www.aalidareh.blogfa.com](http://www.aalidareh.blogfa.com))

## ۲. موقعیت جغرافیایی کرکبود

روستای کرکبود از توابع بخش طالقان شهرستان ساوجبلاغ است. این روستا در ارتفاع ۲۲۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد و آب‌وهوای آن در تابستان معتدل و در زمستان سرد و خشک است. رودخانه کرکبود از کنار روستا عبور می‌کند. معابر روستا کوچه‌باغ‌های زیبایی‌اند که جلوه خاصی به معماری روستا بخشیده‌اند. کرکبود در زبان محلی به معنای «تخته‌سنگ سیاه» است. در مرکز روستا دو آرامگاه قرار دارد که متعلق به امامزاده *زید ابراهیم* و امامزاده *شاه محمد حنفیه* می‌باشد که بر فراز بلندترین نقطه ارتفاعات شمال شرقی روستای کرکبود قرار دارد. آرامگاه *ملانعیما* *کرکبودی* نیز در گورستان تاریخی روستای کرکبود واقع شده است (ر.ک: همان).

## ۳. نسب‌شناسی خاندان نعیمی عالی

*ملا محمد کاظم طالقانی* متعلق به *آل برغانی* است و از خاندان‌های مشهور علمی و زعمای مذهبی قزوین و برغان می‌باشد. نسب *آل برغانی* به *آل بویه* می‌رسد و نخستین شخصیت شناخته‌شده ایشان، *ملا محمد کاظم طالقانی* (متوفای ۱۰۹۴ ق) است (برغانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۲).  
خواجه *نواب*، جدّ اعلاّی سلسله *آل نحوی* در نجف و حلّه و شیخ *محمد مؤمن*، جدّ اعلاّی سلسله *آل نحوی* در قزوین و *ملا محمد جعفر فرشته* از فرزندان او بوده‌اند. *ملا محمد تقی* ملقب به شهید ثالث نیز فرزند *محمد جعفر* و والد *ملا محمد ملائکه* و *ملانعیما*، از علمای مشهور عالی‌درّه است (همان). پس از معرفی مهم‌ترین ارکان علمی خاندان *برغانی*، نقش ایشان در گسترش علوم اسلامی به‌ویژه فلسفه و کلام بررسی می‌شود.

## ۴. نقش ملا محمد کاظم طالقانی قزوینی در ایجاد و گسترش فلسفه و کلام اسلامی

*ملا محمد کاظم قزوینی* از بزرگ‌ترین حکیمان و فلاسفه هم‌عصر *ملا صدرراست*. مجموعه فعالیت‌های این عالم بزرگ شیعی را می‌توان در محورهای ذیل بیان کرد.

### ۴-۱. فعالیت‌های علمی و آموزشی

*ملا محمد کاظم قزوینی* حوزه درسی خود را در قزوین قرار داد و باعث شد محافل فلسفی در این شهر رونق بگیرند و گسترش یابند و فیلسوفان بزرگی از مکتب فلسفی قزوین بهره‌مند شوند و

سپس در اشاعه نظریات و اندیشه‌های فلسفی بکوشند. بزرگ‌ترین و مشهورترین فلاسفه و دانشمندانی که از حوزه درسی **ملا محمد کاظم** برخوردار شده‌اند، عبارت‌اند از: **سید محمد شفیع بن میرزا بهاء‌الدین عاملی**، علامه ادیب شیخ **محسن طالقانی قزوینی نحوی**، **سید میرزا قوام‌الدین حسینی سیفی قزوینی**، **آقا التفات قزوینی** مؤسس مدرسه التفاتیه در قزوین (امین، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۳).

بعید نیست علامه **مجلسی** نیز از محضر **ملا محمد کاظم** بهره‌مند شده باشد؛ زیرا در متن اجازه‌ای که به جهت فرزند وی یعنی **محمد جعفر** نگاشته، **ملا محمد کاظم** را با لفظ «مولانا» یاد کرده است (برغانی، ۱۳۷۰، ص ۱).

**ملا محمد کاظم** عمری را در تدریس، تعلیم و تربیت شاگردان سپری کرد و چنان به تدریس و آموزش علاقه‌مند بود که خانه‌اش را در قسمت غربی مدرسه نواب در قزوین قرار داده بود و استادش شیخ **بهایی** در چندین سفر که از اصفهان به قزوین آمده بود، در همین خانه مورد تکریم و پذیرایی وی قرار گرفت. بعضی از مهم‌ترین اساتید **ملا محمد کاظم** عبارت‌اند از: شیخ **بهاء‌الدین عاملی** (شیخ بهایی)، فیلسوف بزرگ **میرداماد**، متفکر بی‌همتا **میرفندرسکی** و حکیم بزرگ **ملا صدر** (همان، ج ۲، ص ۳۰۱).

آثار فراوان و ارزنده‌ای از وی برجای مانده است که بیشتر جنبه فلسفی و حکمی دارد؛ همچون حواشی و تعلیقات بر بخش الهیات شفای **بوعلی سینا** و دیگر رسائل فلسفی (همان).

#### ۲-۴. تأسیس تفکر «حکمی» و حوزه اندیشه‌های فلسفی در قزوین

**ملا محمد کاظم قزوینی** بنیانگذار تفکر فلسفی و در نتیجه عامل مهم رونق و گسترش روش اصولی و اجتهادی در برابر روش ظاهری و جامد اخباری‌گری در قزوین و در عصر خود می‌باشد. تأثیر اندیشه او به اندازه‌ای بود که اخباریان در قزوین از جایگاه و ارزشی برخوردار نبوده و نیز سال‌ها پس از وی، فرقی گوناگون همچون شیخیه و باییه نتوانستند در برابر براهین محکم و قاطع پیروان او به خصوص اعقاب عالم وی تاب مقاومت آورده و در نتیجه یکسره از میان رفتند (همان).

#### ۵. نقش شیخ نواب در گسترش فلسفه اسلامی

شیخ **نواب**، مدرسه بزرگ نواب را در قزوین تأسیس کرد که هم خود و هم والد بزرگوار ایشان

در آنجا تدریس می‌کرده‌اند. این مدرسه هم‌اکنون پس از تجدید بنا، به نام مدرسه امام صادق علیه السلام نامگذاری شده است و طلاب فراوانی در آن مشغول تحصیل‌اند. از شرح حال و تاریخ ولادت و وفات وی اطلاعی در دست نیست (همان، ج ۱، ص ۱۱).

#### ۶. نقش ملا محمد جعفر طالقانی در گسترش فلسفه اسلامی

ملا محمد جعفر طالقانی ملقب به «فرشته»، در خاندان علم و تقوا متولد شد و در دامان پدری دانشمند همچون ملا محمد کاظم قزوینی پرورش یافت. از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست، ولی بی‌شک وی در قزوین چشم به جهان گشود و از همان ابتدا در محضر پدر به تحصیل پرداخت. روحیات، خصوصیات و مذاق علمی پدر در او اثر عمیقی نهاد و باعث شد محمد جعفر مانند پدر از فلاسفه و حکیمان زمان به‌شمار آید و کرسی تدریس فلسفه را در قزوین به خود اختصاص دهد و بعید نیست در اثر شدت تقوا و اعراض از امور دنیوی و نفسانی و در نتیجه، دریافت و درک عمیق حقایق عملی و ذوقی، به تجرد نفسانی و ملکی رسیده و به‌همین دلیل به فرشته ملقب شده باشد. وی علاوه بر تحصیل نزد پدر و دیگر بزرگان، از محضر درس علامه محمد باقر مجلسی بهره‌مند گشته و از جانب آن عالم شهیر به دریافت اجازه روایی نایل آمده است. با دقت در متن این اجازه که به تاریخ ۱۰۹۵ ق یعنی یک‌سال پس از فوت ملا محمد کاظم، شرف صدور یافته، مقام والای محمد جعفر و پدر او را می‌توان دریافت. از مهم‌ترین آثار وی که برجای گذاشته، کتاب *إشتراط الحس* است. وی در قزوین درگذشت، ولی تاریخ ولادتش معلوم نیست (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۵۰).

#### ۷. نقش ملا محمد ملائکه برغانی در گسترش علوم اسلامی

ملا محمد فرزند محمد جعفر، نخستین شخص از این خاندان است که به برغانی مشهور شد (برغانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۴). علوم ادبی و مقدمات را در قزوین فراگرفت، سپس در حوزه درس پدرش و سید نصرالله حائری معروف به مدرس‌الطف، فقه، اصول، حدیث، تفسیر و کلام آموخت و نزد ملا اسماعیل خواجویی به تحصیل فلسفه پرداخت. چند سال در کربلا به تدریس و اقامه نماز جماعت اشتغال داشت، سپس به ایران بازگشت و به درخواست مردم قزوین، به‌منظور تصدی شئون دینی و علمی در آن شهر ماند (همان، ج ۵، ص ۱۹۰).

## ۷-۱. چگونگی تعامل با اخباریان

ورود ملامحمد به قزوین با دسته‌بندی‌های اخباری و اصولی همزمان بود. وی به سبب موضع‌گیری آشکار در برابر اخباریان - که غالباً از شاگردان و طرفداران ملاخلیل قزوینی بودند - و مناظره با برخی عالمان بزرگ ایشان، با اعتراض و هجوم طرفداران نظریه اخباری‌گری روبه‌رو شد که به تبعید او به برغان انجامید (همان).

اخباری‌ها و اصولی‌ها دو گروه از شیعه اثناعشری‌اند که در فهم احکام شرعی دارای دو سبک و روش متفاوت‌اند:

۱. اخباریه: اخباریه که همان اصحاب حدیث‌اند، در شیعه آنها را اخباری می‌نامند. این گروه اجتهاد را باطل می‌دانند و فقط از اخبار (روایات، احادیث) تبعیت می‌کنند. نخستین کسی که احتمالاً باعث این جدایی شد، ملامحمد/امین بن محمد شریف استرآبادی (م ۱۰۳۳ق) است. وی گویا مؤسس این فرقه در میان شیعیان متأخر است و نخستین کسی است که راه و باب ملامت بر مجتهدان شیعه گشوده است. وی در کتاب فوائدالمدنیة سخت به مجتهدان شیعه می‌تازد و آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهد و به تخریب و تضییع دین حق متهم می‌سازد. وی معتقد است اجتهاد فعلی علمای شیعه بر اساس اجتهاد علمای قدیم شیعه نیست. او می‌گوید قرآن دارای آیات محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ است و استخراج احکام از آن به سادگی میسر نیست؛ از این رو معتقد است باید به اخبار مراجعه کرد. همچنین می‌گوید از آنجا که اجتهاد بر پایه ظن و گمان استوار می‌باشد، باطل است، ولی اخبار چون از طریق ائمه آمده‌اند، دلیل قطعی‌اند و نمی‌توان به ظنیات در برابر قطعیات گردن نهاد.

۲. اصولیه: در مقابل اخباریون، گروه بسیاری از فقهای اسلام قرار دارند که آنان را اصولی می‌نامند. اینان معتقدند در استنباط احکام شرعی اسلام به استناد ادله تفصیلی از قرآن، سنت، عقل و اجماع می‌توان عمل کرد. آنها از علم اصول فقه نیز استفاده می‌کنند و از قواعد آن که اصل برائت و استصحاب و عمل به ظن و تمییز میان اخبار است، بهره می‌برند. این افراد، اجتهاد را واجب کفایی می‌دانند و در صورت انحصار واجد صلاحیت، واجب عینی می‌شمارند (دائرةالمعارف تشیع، مدخل فرق؛ با دخل و تصرف).

عمده اختلاف این دو گروه را می‌توان فقط در منهج علمی و روش و طریقه وصول به حکم

شرعی دانست و در این روش می‌توان گفت در برخی مسائل اختلاف مشرب و طریق دارند. مدت دو قرن میان علمای اصولی و اخباری اختلاف عمیق وجود داشت و اخباری‌ها بر اصولی‌ها غالب شده بودند تا اینکه **آقا محمدباقر وحید بهبهانی** (م ۱۲۰۸ق) بساط آنها را برچید و از زمان او مجتهدان بر اخباری‌ها غلبه یافتند و امروزه اخباری‌ها بسیار در اقلیت‌اند (همان).

## ۷-۲. دیگر فعالیت‌های دینی و علمی

از فعالیت‌های دیگر **ملا محمد ملائکه**، تجدید بنای مسجد جامع برغان است که به شکلی زیبا و هنری ساخته شده است. چند کتاب نیز در فقه، تفسیر و کلام نوشته است؛ از جمله: **تحفة الأبرار** در تفسیر قرآن، **الدر الثمین** (سید کباری، ۱۳۹۰، ص ۵۳۷ / شریف رازی، ۱۳۸۹، ج ۶ ص ۱۶۲) و **فقه ملائکه** (صالحی شهیدی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۵). وی صاحب چهار فرزند شد که از میان آنها شیخ **محمد تقی**، **ملا محمد صالح** و **ملا محمد علی** شهرت بسزایی دارند.

## ۸. نقش ملا محمد تقی برغانی در گسترش فلسفه اسلامی

در خانه **ملا محمد ملائکه** و در روستای برغان، نوزادی به دنیا آمد که نامش را **محمد تقی** نهادند. هنگامی که **ملا محمد ملائکه** به قزوین آمد، با برگزاری جلسات علمی مذهبی، باعث تقویت حوزه علمیه قزوین شد. مقام علمی و معنوی **ملا محمد**، وی را به مرجعیت دینی رساند؛ به گونه‌ای که مناظرات علمی معروف و دندان‌شکنی با دانشمندان اخباری ترتیب داد (سید کباری، ۱۳۹۰، ص ۵۳۷).

### ۸-۱. تحصیلات و اساتید

**محمد تقی** به تشویق پدر، به تحصیل علوم دینی می‌پردازد. وی تحصیلات مقدماتی و بخشی از فقه و اصول را نزد دانشمندان قزوین به پایان برده، رهسپار قم می‌شود. در آنجا در حوزه درسی علامه محقق، **میرزای قمی** حضور می‌یابد و سپس به اصفهان می‌رود و از بزرگان این شهر، حکمت و کلام را فرامی‌گیرد. در نهایت به کربلا می‌رود و چند سالی در درس صاحب ریاض شرکت می‌جوید و سپس به ایران بازمی‌گردد (امینی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۵ / مدرس، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۷).



از استادان ملامحمدتقی می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

پدرش ملامحمد ملائکه، ملاآقا بیدآبادی، ملاعلی نوری، علامه سیدعلی طباطبایی اصفهانی حائری معروف به صاحب ریاض (از مشایخ اجازه ملامحمدتقی)، میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی معروف به میرزای قمی و صاحب قوانین، علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (از مشایخ اجازه ملامحمدتقی)، سیدمحمد طباطبایی معروف به سیدمحمد مجاهد (از مشایخ اجازه ملامحمدتقی) (تنکابنی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲).

#### ۸-۲. تدوین دایرةالمعارف فقهی

حوزه علمیه قزوین در تدوین دائرةالمعارف فقهی سهم چشمگیری داشت. پس از برچیده شدن بساط اخباری‌گری و تجدید حیات فقه شیعه، در قرن سیزدهم هجری بیش از چهل اثر دائرةالمعارف‌گونه فقهی نگاشته شد که حدود نصف این آثار را مکتب قزوین به جهان علم تقدیم کرده است (صالحی شهیدی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۳).

#### ۸-۳. آثار

برخی از مهم‌ترین آثار ملامحمدتقی برغانی به‌قرار ذیل است:

عیون الأصول: وی در این کتاب که دو جلد است، اشکالات و نقدهایی بر «قوانین» وارد کرده است.

منهج الاجتهاد: این کتاب که ۲۴ جلد است، شرح شرائع الإسلام و یک دوره فقه استدلالی است و شامل مباحث فقهی طهارت تا دیات می‌باشد. این اثر نفیس از منابع مهم فقیهان شیعی در تحقیقات فقهی و فتاوی آنهاست. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ها هست.

ملخص العقائد: درباره علم کلام است.

مجالس المتقین: درباره مطالب اخلاقی است.

رساله‌ای در نماز جمعه و رسائل گوناگون در ابواب طهارت، نماز، روزه، نمازهای قضا و دیات (تهرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۷).

#### ۸-۴. طرح مسئله ولایت فقیه

یکی از مهم‌ترین مباحث کلامی منشعب از امامت، مسئله ولایت فقیه است که توسط

ملا محمد تقی برای نخستین بار در دوره سلطنت فتحعلی شاه مطرح شد. در روزگار ریاست ملا محمد تقی در تهران، بر اثر بی‌کفایتی فتحعلی شاه، ولایات شمال ایران به اشغال ارتش روس درآمد. پس از این شکست خفت‌بار، رقابت انگلستان و فرانسه در ایران شدت یافت؛ به گونه‌ای که انگلستان در همه امور داخلی کشور دخالت کرد. مجتهد برغانی در چنین شرایطی برای نخستین بار نظریه ولایت فقیه را مطرح و حکومت پادشاهی را نامشروع اعلام کرد. فتحعلی شاه که از فتوا و حکم مرحوم برغانی شدیداً هراسناک شده بود، برای ایمن شدن از این مسئله، او و برادرش را به عراق تبعید کرد (صالحی شهیدی، ۱۳۶۳، ص ۳۹)

#### ۸-۵. مقابله با جریان‌های انحرافی عقیدتی

در عصر ملا محمد تقی برغانی، جنبش‌های فکری و جریان‌های انحرافی متعددی در حال شکل‌گیری و گسترش بود که عمده‌ترین مکاتب انحرافی و مذاهب استعماری را در آن دوره تشکیل می‌دادند؛ این موارد عبارت‌اند از:

وهابیت: این جریان انحرافی توسط محمد بن عبدالوهاب تأسیس شد.

شیخیه: این تفکر منحرف توسط شیخ احمد احسائی تأسیس شد.

باییه: این جریان منحرف توسط میرعلی محمد شیرازی تأسیس شد (همان، ص ۳۹۱).

مرحوم برغانی نقش ممتازی در مبارزه با شیخیه و باییه داشت. وی با تشکیل جلسات سخنرانی و مناظرات بی‌بدیل، در نهایت به محکومیت و ارتداد آن دو فرقه استعماری حکم داد. در واقع نبرد مدرسه فکری قزوین به رهبری خاندان برغانی، انحرافات مذهبی، شیخیه و باییه، ستم‌های دربار ایران و استعمار، تجمع زبده‌ترین و مشهورترین علوم عقلی و هجرت مشتاقان فلسفه به سوی قزوین، باعث شهرت این مرکز علمی شد (تنکابنی، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

سرانجام این عالم وارسته به دلیل مبارزات فکری با جریان‌های انحرافی، به شهادت رسید و به «شهید ثالث» ملقب گردید (امینی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۶).

#### ۹. نقش ملا نعیم طالقانی در گسترش فلسفه و کلام اسلامی

ملا محمد نعیم طالقانی فرزند محمد تقی از بزرگ‌ترین دانشمندان، فلاسفه، متکلمان و فقهای قرن دوازده هجری است. با توجه به برخی قراین بعید نیست در قزوین پا به عرصه وجود نهاده

باشد و نیز شاید در دوران کودکی، جدّ خود **ملا محمد جعفر فرشته** را درک کرده باشد و نزد پدر بزرگوارش مرحوم **محمد تقی** به کسب دانش پرداخته و سپس به منظور تکمیل علم به اصفهان که حوزه علمیه مهم آن روز بود، عزیمت کرده باشد. **محمد نعیم** در اصفهان به حوزه درس عالمانی وارسته چون **ملا محمد صادق اردستانی** که از فلاسفه و متکلمان زمان بود و **بهاء‌الدین محمد** معروف به فاضل هندی حضور به هم رسانید و خود جامع علوم معقول و منقول گردید. وی در اصفهان به جهت قدر و منزلت والای علمی و شرافت و نجابت خانوادگی، از جانب سلطان صفوی به ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب شد و سلطان **حسین** به او ارادت کامل داشت (صنیع‌الدوله، [بی‌تا]، ص ۱)

**ملائعیم** از علمای بزرگ اصفهان بود و در حوزه درسی او بسیاری شرکت می‌کردند. او در آن فضا به تحقیق، تألیف و شناسایی منابع گوناگون علمی و تدریس، گفت‌وگو و مصاحبت با علما زمان می‌گذرانید و تا زمان هجوم افغان‌ها به اصفهان در آن شهر سکونت داشت و سپس از آنجا گریخت (طالقانی، ۱۳۵۷، ص ۱)

اکنون به مهم‌ترین نقاط عطف زندگی **ملائعیم** اشاره می‌شود.

#### ۹-۱. انتقال گنجینه علمی اصفهان

**ملائعیم** در اواسط دوره شش‌ماهه محاصره افغان‌ها، از شهر اصفهان گریخت و بعید نیست برخی از بزرگان خاندان صفوی نیز در این گریز با او همراه شده باشند و او بسیاری از کتاب‌ها، نسخه‌ها و آثار ارزشمند علمی را که متعلق به کتابخانه سلطنتی و شخصی خود بود، همراه برده باشد تا این گنجینه‌های بالارزش را از خطر فنا و نابودی برهاند. هجوم افغان‌ها یاد و خاطره کشتار مغولان را زنده کرد. اصفهان و اطراف آن ویران شد و بسیاری از دانشمندان دینی از میان رفتند. **ملائعیم** پس از گریختن از اصفهان به قم عزیمت کرد و بهتر آن دید مدتی در آنجا بماند. او در این محاصره و هجوم، بسیاری از نزدیکان و بستگانش را از دست داد. آنان در اثر گرسنگی و بیماری از دست رفتند. چنان‌که مشاهده می‌شود، این خاندان جلیل‌القدر برای گسترش علوم اسلامی خطرهای زیادی به جان خریدند (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۰).

## ۹-۲. نگارش آثار ارزشمند علمی به‌ویژه در باره فلسفه و کلام

**ملانعیما** پس از استقرار در قم و به درخواست برخی فضلاء این شهر، به تولید آثار ارزشمندی پرداخت. در این بخش به برخی از مهم‌ترین تألیفات وی اشاره می‌شود:

**أصل الأصول:** وی این کتاب را در مباحث وجود، توحید ذات و برخی مباحث عرفانی تألیف کرده است. نسخه‌های متعددی از این کتاب موجود است. تاریخ تألیف این کتاب سال ۱۱۳۵ یعنی پس از هجوم افغان‌ها به اصفهان و عزیمت وی به قم است (المهاجر، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۷۹).

وی در وضعیتی آشفته و هراسان به تألیف این اثر اقدام کرده است. این امر نشان می‌دهد او دانشمندی کوشا در راه تحقیق و دریافت و آموزش حقایق علمی بوده، همچنین از این امر شکیبایی او آشکار می‌شود؛ زیرا کمتر کسی در چنین حالی به نگارش کتاب، تدریس و تبیین معارف علمی مبادرت می‌ورزد. وی در **أصل الأصول** به یورش افغان‌ها این‌گونه اشاره می‌کند که وقتی تألیف این کتاب از وی خواسته شد، بر اثر لشکرکشی افغان‌ها و خرابی اصفهان، بیشتر مردم و نزدیکان وی از دست رفته بودند و او پس از مهاجرت و درنهایت غربت و پریشان‌احوالی، به نوشتن اقدام کرد (صالحی شهیدی، ۱۳۶۳، ص ۴۵).

این کتاب در سال ۱۳۵۷ در انتشارات انجمن حکمت و فلسفه و بر اساس کار و تحقیق دو دانشجوی دوره کارشناسی ارشد الهیات دانشگاه مشهد و به راهنمایی، مقدمه و تعلیق استاد **سیدجلال‌الدین آشتیانی** چاپ شد.

**العروة الوثقی فی امامة أئمة الهدی:** این کتاب در مباحث کلامی و بسیار عمیق امامت تألیف شده است. نسخه اصلی این کتاب که به خط خود مؤلف است، در کتابخانه موقوفه **ملا محمد صالح برغانی** در کربلا هست (همان).

**حدوث العالم:** نسخه‌هایی از این اثر مهم که به‌صورت رساله‌ای موجز تدوین یافت، موجود است. **ملانعیما** این کتاب را پس از عزیمت از قم و سکونت در طالقان در سال ۱۱۳۶ تألیف کرده است (همان).

**منهج الرشاد فی إثبات معرفة المعاد:** این کتاب ارزشمند و مفصل در مباحث کلامی و فلسفه، بسیار عمیق و ژرف معاد تألیف شده است که نشان از عمق اندیشه مؤلف آن دارد. نسخی

از این کتاب هست و چند سالی است که این اثر بارزش به دست دانشمند بزرگوار جناب آقای *استادی* به چاپ رسیده است (همان).

#### الجبر والتفویض.

**القضاء والقدر:** آثار این مرد بزرگ باید بیش از این موارد باشد و گویا بسیاری از آنها به جهت گذشت زمان، از میان رفته است. بعید نیست برخی از آنها نیز موجود باشد که برای یافتن آنها به تحقیق بیشتری نیاز است؛ برای مثال نزد آقا شیخ *اسماعیل بوذری طالقانی* که به تازگی درگذشت، نسخه‌ای در علوم غریبه به خط شخص *ملانعیما* یافت شده است. (www.aalidareh.blogfa.com)

#### ۹-۳. مهاجرت به طالقان و تربیت نسل دانشمند

*ملانعیما* پس از نگارش کتاب **أصل الأصول**، از قم به طالقان عزیمت کرد و بعید نیست آثار علمی بارزش و مهمی را که به قم برده بود، با خود به دره طالقان که محلی صعب‌العبور و امن بود، هدایت کرده باشد. وی پس از رسیدن به این مکان، کتابخانه‌ای در ذیل کوه بنا نهاد و کتاب‌ها را در آنجا قرار داد. *ملانعیما* در روستای کرکبود که ظاهراً زادگاه پدران و نیاکان او بوده، سکونت کرد. وی کتاب **حدوث العالم** را آنجا نوشت.

وی تا سال ۱۱۶۱ در طالقان ماند. او در این سال‌ها فقط به تألیف و تصنیف کتب و رسایل گوناگون نمی‌پرداخت، بلکه به تدریس و رتق و فتق امور شرعی مردم نیز اشتغال داشت. *ملا براهیم جزینی* از جمله بزرگانی بود که در طالقان با وی مرتبط بود و از فلاسفه آن عصر به‌شمار می‌آمد (صنیع‌الدوله، [بی‌تا]، ص ۱)

از نسل *ملانعیما* دانشمندان و فلاسفه بزرگی به‌پا خاسته‌اند که به برخی از آنان اشاره می‌شود: *ملایوسف حکمی قزوینی*؛ وی از فلاسفه بزرگ و بهترین اساتید حکمی و فلسفه متعالیه در قزوین بود و در مجلس درس او جمعی از فضلا و طلاب علوم عقلی گرد یکدیگر می‌آمدند (برغانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵).

شیخ *عبد الحمید طالقانی*؛ وی از عرفا و اجلّ علما بوده است. از تألیفات معروف ایشان، رساله **کثیرالفائده** و **منتخب** از مهمات مسائل غامضه حقه و تبیین مشکلات از عقاید حقیقیه حقه موسوم به «مشرق‌المفارق الإلهیه» مشتمل بر مقدمه و دو مطلب و خاتمه است (فقیه‌محمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۲).

**ملانعیما** این دانشمند بزرگ و عالم فرهیخته، باتقوا و تلاشگر سرانجام در سال ۱۱۶۰ در طالقان درگذشت و اهالی و بزرگان آن دیار به جهت عظمت و منزلت والایش، مقبره‌ای بر مزار او بنا کردند که هم‌اکنون نیز پس از ۲۵۵ سال در منتهی‌الیه جنوب غربی روستای کرکبود و در قبرستان کهن آن منطقه پابرجاست. در میان مقبره، سنگ مزاری است که مقداری از سطح زمین بالاتر است و بر این سنگ مطالبی درباره **ملانعیما** نوشته شده است. این مقبره که اخیراً به جهت عوامل طبیعی و عدم توجه به این بنای تاریخی در شرف خرابی بود، به دست برخی اشخاص خیر و فرهنگ‌دوست بازسازی و مرمت شد. ([www.aalidareh.blogfa.com](http://www.aalidareh.blogfa.com))

### نتیجه

نقش خاندان **محمد کاظم طالقانی قزوینی** یا به تعبیری علمای عالی‌دره در پژوهش حاضر تا اندازه‌ای بر مخاطبان آشکار گشت. علمای عالی‌دره که از شجره **ملا محمد کاظم** ریشه می‌گیرند و مجد و عظمت تمامی آنها در طول سه قرن گذشته به وی بازمی‌گردد، با دریافت مقامات علمی و رسیدن به مدارج بلند دانش و عمل، توانستند در قزوین، اصفهان، عراق و دیگر شهرهای بزرگ آن زمان، منشأ تحولات عظیمی در عرصه تفکر و تعقل گردند و طی سیصدسال علاوه بر اشاعه معارف والا و ارزشمند شیعی، آثار بی‌مانندی در موضوعات گوناگون علمی برجای نهند، جویندگان و علمای بزرگی را در اصفهان، قزوین، نجف و کربلا تربیت کنند، طراوت و پویندگی فقه، کلام، فلسفه و تفکر شیعی را با تلاش خالصانه خود حفظ کنند و در این راه حتی از بذل جان خویش مایه بگذارند و به معارف شیعه امامیه در بسیاری از زمینه‌های علمی به‌ویژه فلسفه، کلام و حکمت، خدمات ارزنده‌ای ارائه دهند.

دانشمندان عالی‌دره، نقش بسزایی در گسترش فلسفه اسلامی داشته‌اند؛ زیرا همزمان با هجوم افغان‌ها علمای این منطقه نه تنها در این هیاهو و کشتار از سرزمین خود مهاجرت کردند، بلکه آثار ارزشمندی را نیز با خود بردند و از همه مهم‌تر، موفق به تألیف آثار قابل توجهی درباره علم فلسفه و کلام شدند؛ از جمله این آثار می‌توان به کتاب **أصل الأصول** اشاره کرد که توسط **مولا نعیم** در سال ۱۱۳۵ق در اوج پریشان‌حالی و دوری از وطن نوشته شده است. جدّ اعلای وی، **مولا محمد کاظم طالقانی قزوینی**، از بزرگ‌ترین فیلسوفان معاصر با **ملا صدرا** بوده که از مؤسسان تفکر حکمی و حوزه اندیشه‌های فلسفی در قزوین است.

- براین اساس مهم‌ترین ارکان خاندان **برغانی** - یعنی **ملا محمد کاظم قزوینی**، **شیخ نواب**، **ملا محمد جعفر فرشته**، **محمد ملائکه**، **ملا محمد تقی** ملقب به شهید ثالث و **ملا نعیم** - در دوره حیات ارزشمند و پُرثمر خویش، خدمات فراوان و مهمی در جهت پیشرفت علوم اسلامی و شیعی به‌ویژه فلسفه و کلام اسلامی عرضه کردند که در این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱. رونق‌بخشی به محافل علمی، اشاعه اندیشه‌های اصیل فلسفی و ترویج مدرسه فکری قزوین؛
  ۲. تأسیس مدرسه حکمی در قزوین؛
  ۳. رونق‌بخشی و گسترش روش اصولی و اجتهادی در برابر روش ظاهری و جامد اخباری‌گری؛
  ۴. تأسیس مدرسه بزرگ نواب در قزوین و جذب و تربیت طلاب و فضیله‌دینی؛
  ۵. تألیف آثار ارزشمند در موضوعات گوناگون علمی به‌ویژه فلسفه، کلام و حکمت؛
  ۶. تربیت فرزندان و نسل دانشمند و فرهیخته شیعی؛
  ۷. مناظره با اخباریان و برچیدن بساط آنها؛
  ۸. تدوین حجم قابل توجهی از دایرة‌المعارف فقهی؛
  ۹. طرح مسئله ولایت فقیه برای نخستین بار در دوره **فتحعلی شاه** و نبرد با مظالم دربار ایران و استعمار؛
  ۱۰. انتقال گنجینه‌های علمی در جهت محافظت از میراث مکتوب شیعی؛
  ۱۱. مقابله با جریان‌های انحرافی عقیدتی همچون وهابیت، بابت و شیخیه؛
  ۱۲. مجاهدت و مهاجرت از موطن، تحمل مصائب فراوان و شهادت در راه آرمان‌های شیعی.

## منابع

۱. امین، سیدحسن؛ مستدرکات أعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۹ق.
۲. امینی نجفی، عبدالحسین؛ شهیدان راه فضیلت؛ تهران: روزبه، ۱۳۸۰.
۳. برغانی، محمدصالح؛ موسوعة البرغانی؛ تهران: مؤسسه الوفاء، ۱۳۷۰.
۴. تنکابنی، محمد؛ تذکرة العلماء؛ [بی‌جا] ۱۳۷۸.
۵. همان نویسنده؛ قصص العلماء؛ تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. تهرانی، شیخ آقابزرگ؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۷. تهرانی، شیخ آقابزرگ؛ الکرام البرره؛ مشهد: علمیه اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. سیدکباری، سیدعلیرضا؛ حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۹. شریف رازی، محمد؛ گنجینه دانشمندان؛ تهران: اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۰. صالحی شهیدی، عبدالحسین؛ «مدرسه فلسفی قزوین»، مجله حوزه؛ ش ۴، ۱۳۶۳.
۱۱. صنیع‌الدوله؛ سفرنامه طالقان؛ با مقدمه جلال آل احمد؛ [بی‌جا]، [بی‌تا].
۱۲. طالقانی، ملانعیما؛ أصل الأصول؛ تهران: انتشارات انجمن حکمت، ۱۳۵۷.
۱۳. فقیه محمدی، ابراهیم؛ در قلمرو تفکیک؛ قم: دارالنشر اسلام، ۱۳۷۴.
۱۴. مدرس، محمدعلی؛ ریحانة الأدب؛ تبریز: کتابخانه خیام، ۱۳۸۷.
۱۵. المهاجر، جعفر؛ أعلام الشیعه؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۳۱ق.
۱۶. میرابوالقاسمی، محمدتقی؛ تاریخ و جغرافیای طالقان؛ تهران: ندا، ۱۳۷۳.